



روان‌شناسی در قرآن و حدیث

(جلد دوم)

حجت‌الاسلام دکتر محمدصادق شجاعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۷

شجاعی، محمدصادق، ۱۳۵۰-

روان‌شناسی در قرآن و حدیث / محمدصادق شجاعی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

۲ ج. دوازده، ۲۵۱ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۵۰: روان‌شناسی؛ ۴۲)

ISBN: ۱ ج. 978-600-298-227-8

بها: ۱۸۰۰۰۰ ریال

۲ ج. 978-600-298-228-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۲۱۵] - ۲۲۳: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. قرآن -- روانشناسی. ۲. Qur'an -- Psychology. ۳. روان‌شناسی اسلامی. ۴. Islam -- Psychology.

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۲۸۵

BP۱۰۳/۲۵/ش۳۹۱۳۹۷

۵۳۸۱۰۸۴

شماره کتابشناسی ملی



روان‌شناسی در قرآن و حدیث (جلد دوم)

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمدصادق شجاعی

ناظر علمی: آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی:

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته روان‌شناسی، علوم تربیتی و گرایش‌های وابسته در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب آقای دکتر محمدصادق شجاعی و نیز از ناظر محترم اثر، آیت‌الله غروی‌راد، مدیر گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: عواطف و هیجانات

هدف‌های آموزشی.....	۳
۱-۱. مقدمه.....	۳
۲-۱. عاطفه، خُلق و هیجان.....	۳
۳-۱. کار برد هیجان در منابع اسلامی.....	۵
۴-۱. فواید و کارکردهای هیجان‌ها در منابع اسلامی.....	۵
۵-۱. آثار و جلوه‌های هیجانات.....	۶
۶-۱. انواع هیجان‌ها در آیات و روایات.....	۷
۱-۶-۱. ترس.....	۸
۱-۶-۱-۱. معانی و موارد کاربرد ترس در آیات و روایات.....	۹
۲-۶-۱-۱. انواع ترس.....	۱۰
الف) ترس گزند و آسیب.....	۱۰
ب) ترس اخلاقی.....	۱۱
ج) ترس شکوه و جلال.....	۱۲
۲-۶-۱. خشم.....	۱۳
۱-۶-۱-۲-۱. نشانه‌های فیزیولوژیکی خشم.....	۱۳
۲-۶-۱-۲-۱. فواید و کارکردهای خشم.....	۱۴
۳-۶-۱-۲-۱. بحث ویژه: خشم خداوند.....	۱۶
۳-۶-۱. علاقه.....	۱۷
۱-۶-۱-۳-۱. علاقه اجتماعی.....	۱۸
۴-۶-۱. نفرت.....	۱۸
۵-۶-۱. شادی.....	۱۹

۲۰ ۱-۵-۶-۱. منابع شادی در آیات و روایات
۲۳ ۱-۵-۶-۲. رفتارهای مرتبط با شادی
۲۵ ۱-۶-۶-۶. غم
۲۸ ۱-۷-۷. قلب؛ مرکز عواطف و هیجانات
۲۹ ۱-۸-۸. ناپایداری خلق‌ها و هیجان‌ها
۳۰ ۱-۹-۹. رابطه عاطفه و هیجان با رفتار
۳۲ ۱-۱۰-۱۰. نیرومندی عواطف
۳۲ ۱-۱۱-۱۱. ناهشیاری عاطفی
۳۳ ۱-۱۲-۱۲. نقش فرایندهای شناختی در شکل‌گیری عواطف و هیجان‌ها
۳۴ پرسش و تمرین

فصل دوم: روان‌شناسی اجتماعی (تعامل در گروه‌ها)

۳۵ هدف‌های آموزشی
۳۵ ۱-۲-۱. مقدمه
۳۵ ۲-۲-۱. گرایش به روابط اجتماعی
۳۶ ۱-۲-۲. انسان، موجود اجتماعی
۳۶ ۲-۲-۲. اجتناب‌ناپذیری روابط اجتماعی
۳۷ ۳-۲-۱. مفاهیم بنیادی روان‌شناسی اجتماعی
۳۷ ۱-۳-۲. هویت اجتماعی
۳۷ ۲-۳-۲. ادراک خود: شناخت خود
۳۸ ۳-۳-۲. خودآگاهی
۳۹ ۴-۳-۲. سوگیری خودمدار و کارکردهای آن در روابط میان‌فردی
۴۰ ۵-۳-۲. یک قانون طلایی؛ خود را به جای دیگران گذاشتن
۴۲ ۶-۳-۲. ادراک اجتماعی: شناخت دیگران
۴۲ ۴-۲-۱. منابع ادراک اجتماعی
۴۴ ۵-۲-۱. مدیریت نگرش؛ توصیه به داشتن نگرش مثبت نسبت به دیگران
۴۴ ۶-۲-۱. پیشگیری از خطاهای شناختی در روابط میان‌فردی
۴۸ ۷-۲-۱. مدیریت برداشت
۵۱ ۸-۲-۱. ارتباط درون‌گروهی
۵۲ ۹-۲-۱. انگیزه تشکیل گروه
۵۲ ۱۰-۲-۱. ساختار گروه و نقش‌های اجتماعی
۵۳ ۱۱-۲-۱. همبستگی اجتماعی
۵۴ ۱۲-۲-۱. نفوذ اجتماعی
۵۴ ۱-۱۲-۲. قدرت
۵۵ ۲-۱۲-۲. رهبری

۵۶ ۲-۱۲-۲-۱. بحث ویژه: رهبری مذهبی
۵۸ ۲-۱۲-۲-۲. سبک‌های رهبری
۵۹ ۲-۱۲-۲-۳. ویژگی‌های رهبری کارآمد
۶۰ ۲-۱۲-۲-۴. اثربخشی گروه‌ها
۶۲ ۱۳-۲. هم‌رنگی
۶۳ ۱۴-۲. تعارض
۶۴ ۱۵-۲. پرخاشگری
۶۵ ۱-۱۵-۲. عوامل پرخاشگری
۶۶ ۱۶-۲. پیش‌داوری و تبعیض
۶۶ ۱-۱۶-۲. گونه‌های رایج پیش‌داوری و تبعیض
۶۶ الف) پیش‌داوری و تبعیض قومی و نژادی
۶۷ ب) پیش‌داوری و تبعیض جنسیتی
۶۷ ج) پیش‌داوری و تبعیض طبقاتی
۶۸ ۲-۱۶-۲. تلاش در جهت کاهش پیش‌داوری و تبعیض
۶۹ ۱۷-۲. نوع‌دوستی: یاری به نیازمندان
۷۲ پرسش و تمرین

فصل سوم: جاذبه‌های میان‌فردی (روابط بین‌فردی از شکل‌گیری تا فروپاشی)

۷۳ هدف‌های آموزشی
۷۳ ۱-۳. مقدمه
۷۳ ۲-۳. چرخه حیات روابط انسانی
۷۴ ۳-۳. جاذبه میان‌فردی: عوامل تعیین‌کننده شکل‌گیری رابطه
۷۴ ۱-۳-۳. آشنایی
۷۵ ۲-۳-۳. مشابهت
۷۶ ۳-۳-۳. زیبایی
۷۸ ۴-۳-۳. علاقه جنسی
۷۸ ۵-۳-۳. دریافت کمک و حمایت
۷۹ ۱-۵-۳-۳. انواع کمک و تأثیر آن بر جاذبه میان‌فردی
۸۰ ۶-۳-۳. ویژگی‌های اخلاقی افراد
۸۱ ۴-۳. حفظ و استمرار روابط
۸۳ ۵-۳. فروپاشی رابطه (فاصله میان‌فردی)
۸۳ ۶-۳. عوامل زمینه‌ساز فاصله میان‌فردی
۸۴ ۱-۶-۳. دولایگی
۸۵ ۲-۶-۳. انتظارات غیرمنطقی
۸۵ ۳-۶-۳. پیش‌داوری

- ۸۵ ۳-۶-۴. سطح تحمل پایین
- ۸۶ ۳-۶-۵. سوگیری خدمت به خود
- ۸۷ ۳-۶-۶. نوسانات خلقی
- ۸۷ ۳-۶-۷. قطع رفت و آمد
- ۸۷ ۳-۶-۸. توهین و تحقیر
- ۸۸ ۳-۶-۹. عیب جویی و سرزنش
- ۸۸ ۳-۶-۱۰. فحش و دشنام دادن
- ۸۸ ۳-۶-۱۱. بدگویی از همدیگر
- ۹۰ ۳-۶-۱۲. عادی شدن روابط
- ۹۱ ۳-۷-۷. واکنش به فاصله میان فردی
- ۹۳ ۳-۸-۸. فرایند از همپاشی رابطه
- ۹۳ ۳-۸-۱. مرحله اول: بهانه‌گیری
- ۹۳ ۳-۸-۲. مرحله دوم: محدود شدن روابط
- ۹۴ ۳-۸-۳. مرحله سوم: متوقف شدن روابط
- ۹۵ ۳-۹-۹. تلاش در جهت ترمیم فاصله میان فردی
- ۹۶ ۳-۱۰-۱۰. راهبردهای ترمیم فاصله میان فردی
- ۹۸ ۳-۱۱-۱۱. وقتی نمی‌توانیم با هم کنار بیاییم
- ۹۹ ۳-۱۲-۱۲. به‌کارگیری روش تدریجی در ایجاد فاصله میان فردی
- ۹۹ پرسش و تمرین

فصل چهارم: بهداشت روانی

- ۱۰۱ هدف‌های آموزشی
- ۱۰۱ ۴-۱. مقدمه
- ۱۰۲ ۴-۲. تعریف سلامت روانی
- ۱۰۳ ۴-۳. فطرت، خاستگاه سلامت روانی
- ۱۰۳ ۴-۴. سطوح بالای سلامت روانی
- ۱۰۴ ۴-۵. ابعاد و مؤلفه‌های سلامت روانی
- ۱۰۴ ۴-۵-۱. بعد جسمی
- ۱۰۵ ۴-۵-۲. بعد ذهنی
- ۱۰۶ ۴-۵-۳. بعد اجتماعی
- ۱۰۷ ۴-۵-۴. بعد معنوی
- ۱۰۸ ۴-۶. اهداف بهداشت روانی
- ۱۰۹ ۴-۶-۱. پیشگیری از اختلال و بیماری
- ۱۱۲ ۴-۶-۲. اصلاح و درمان بیماری
- ۱۱۵ ۴-۶-۳. مراقبت و بازتوانی

۱۱۶۴-۶-۴. شکوفایی فطرت: ارتقای سلامت روانی
۱۱۶۵-۶-۴. حیات طیبه (زندگی پاک)
۱۱۷۷-۴. کارکردها و آثار بهداشت روانی
۱۱۸۱-۷-۴. محور نخست: رابطه فرد با خدا
۱۱۸۱-۱-۷-۴. باور به خدای یگانه
۱۱۹۲-۱-۷-۴. دل‌بستگی ایمن به خدا
۱۲۰۳-۱-۷-۴. روحیه شکرگزاری از خدا
۱۲۰۴-۱-۷-۴. امیدواری همراه با ترس
۱۲۱۲-۷-۴. محور دوم: رابطه فرد با خود
۱۲۱۱-۲-۷-۴. خویش‌پنداری
۱۲۲۲-۲-۷-۴. درک هویت خود
۱۲۳۳-۲-۷-۴. احساس خودارزشمندی
۱۲۳۴-۲-۷-۴. خودمراقبتی
۱۲۴۵-۲-۷-۴. تسلط بر هیجان‌های خود
۱۲۴۶-۲-۷-۴. هماهنگی ابعاد شخصیت
۱۲۵۳-۷-۴. محور سوم: رابطه فرد با دیگران
۱۲۵۱-۳-۷-۴. نوع دوستی
۱۲۵۲-۳-۷-۴. حفظ احترام دیگران
۱۲۶۳-۳-۷-۴. رعایت اخلاق و آداب اجتماعی
۱۲۸ پرسش و تمرین

فصل پنجم: آسیب‌شناسی روانی و رفتار نابهنجار

۱۲۹ هدف‌های آموزشی
۱۲۹۱-۵. مقدمه
۱۲۹۲-۵. بیماری روانی
۱۲۹۱-۲-۵. مفهوم بیماری روانی
۱۳۰۲-۲-۵. اصل بنیادی: آسیب‌پذیری انسان
۱۳۱۳-۲-۵. اصول نظریه آسیب‌شناسی روانی در قرآن و حدیث
۱۳۱۱-۳-۲-۵. بهره‌مندی از فطرت
۱۳۱۲-۳-۲-۵. انگیزش تکوینی به سوی کمال
۱۳۲۳-۳-۲-۵. تعارض درون‌روانی
۱۳۳۴-۲-۵. عوامل و زمینه‌های اختلالات روانی
۱۳۳۱-۴-۲-۵. عوامل زیست‌شناختی
۱۳۴۲-۴-۲-۵. عوامل روان‌شناختی
۱۳۶۳-۴-۲-۵. عوامل طبیعی

۱۳۶ عوامل اجتماعی-فرهنگی	۴-۴-۲-۵
۱۳۷ عوامل فراطبیعی	۵-۴-۲-۵
۱۳۹ مفاهیم مربوط به اختلالات روانی	۵-۲-۵
۱۴۴ قلب و بیماری روانی	۶-۲-۵
۱۴۶ فرایند اختلال و بیماری در قلب	۱-۶-۲-۵
۱۴۶ نقش واسطه‌ای گناه در بیماری روانی	۲-۶-۲-۵
۱۴۷ انواع اختلالات و کژکاری‌های قلب	۳-۶-۲-۵
۱۵۱ رفتار نابهنجار	۳-۵
۱۵۲ ملاک‌های نابهنجاری در آیات و روایات	۱-۳-۵
۱۵۲ افراط و تفریط	۱-۱-۳-۵
۱۵۲ غیرمتعارف بودن	۲-۱-۳-۵
۱۵۳ انسجام نیافتگی	۳-۱-۳-۵
۱۵۴ غیرمنطقی و غیرعقلایی بودن	۴-۱-۳-۵
۱۵۵ دوری از فطرت	۵-۱-۳-۵
۱۵۶ نمونه‌های رفتار نابهنجار در آیات و روایات	۲-۳-۵
۱۵۶ بت‌پرستی	۱-۲-۳-۵
۱۵۸ پرستش نیروها و موجودات طبیعی	۲-۲-۳-۵
۱۵۹ شیطان‌پرستی	۳-۲-۳-۵
۱۶۰ فرزندکشی	۴-۲-۳-۵
۱۶۰ فال‌گیری و بخت‌آزمایی	۵-۲-۳-۵
۱۶۲ گرایش به سحر و جادو	۶-۲-۳-۵
۱۶۳ همجنس‌گرایی	۷-۲-۳-۵
۱۶۴ پرسش و تمرین	

فصل ششم: تغییر رفتار

۱۶۵ هدف‌های آموزشی	
۱۶۵ مقدمه	۱-۶
۱۶۵ تغییر رفتار	۲-۶
۱۶۶ نقش ادیان الهی در تغییر رفتار	۳-۶
۱۶۶ برنامه تغییر رفتار در آیات و روایات	۴-۶
۱۶۷ مرحله اول: تعیین رفتار هدف	۱-۴-۶
۱۶۷ مرحله دوم: تعیین رفتار مورد انتظار	۲-۴-۶
۱۶۷ مرحله سوم: شناسایی عوامل زمینه‌ساز رفتار هدف	۳-۴-۶
۱۶۸ مرحله چهارم: انتخاب روش تغییر رفتار	۴-۴-۶
۱۶۸ مرحله پنجم: اجرای روش تغییر رفتار	۵-۴-۶

۱۶۸	۵-۶. اصول و شیوه‌های تغییر رفتار.....
۱۶۸	۱-۵-۶. استفاده از تقویت‌کننده‌ها.....
۱۷۱	۲-۵-۶. تنبیه: محروم کردن و جریمه.....
۱۷۲	۳-۵-۶. الگوسازی.....
۱۷۳	۴-۵-۶. روش عبرت‌آموزی.....
۱۷۶	۶-۶. عوامل شناختی تغییر رفتار.....
۱۷۷	۱-۶-۶. تغییر باورهای بنیادین درباره جهان و انسان.....
۱۷۹	۲-۶-۶. عوامل اضطراب مرگ.....
۱۸۱	۷-۶. راهبردهای شناختی تغییر رفتار.....
۱۸۱	۱-۷-۶. آگاهی بخشی نسبت به پیامد رفتار.....
۱۸۳	۲-۷-۶. درک حضور الهی.....
۱۸۴	۸-۶. ناهمسازی شناختی.....
۱۸۴	پرسش و تمرین.....

فصل هفتم: شخصیت

۱۸۵	هدف‌های آموزشی.....
۱۸۵	۱-۷. مقدمه.....
۱۸۶	۲-۷. تعریف شخصیت.....
۱۸۶	۳-۷. مفهوم شخصیت در منابع اسلامی.....
۱۸۷	۴-۷. پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی شخصیت در منابع اسلامی.....
۱۸۹	۵-۷. شاکله به مثابه شخصیت.....
۱۹۱	۶-۷. الگوی ساختاری شخصیت.....
۱۹۱	۱-۶-۷. سازه‌های بنیادی در شخصیت.....
۱۹۸	۸-۷. رشد و تحول شخصیت.....
۱۹۹	۹-۷. عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول شخصیت.....
۲۰۲	۱۰-۷. انواع تیپ‌های شخصیت در آیات و روایات.....
۲۰۲	۱-۱۰-۷. الگوی تیپ‌شناسی اعتقادی.....
۲۰۵	۱۱-۷. ساختار صفات اعتقادی.....
۲۰۵	۱-۱۱-۷. صفت ایمان.....
۲۰۶	۲-۱۱-۷. صفت کفر.....
۲۰۷	۳-۱۱-۷. صفت نفاق.....
۲۰۸	۱۲-۷. الگوی تیپ‌شناسی مبتنی بر قوای نفس.....
۲۱۰	۱-۱۲-۷. معرفی یک نمونه: فرعون الگوی شخصیت قدرت‌طلب در قرآن.....
۲۱۴	پرسش و تمرین.....
۲۱۵	منابع و مآخذ.....

نمایه‌ها

۲۲۵	نمایه آیات
۲۳۴	نمایه روایات
۲۴۸	نمایه اصطلاحات
۲۵۰	نمایه اشخاص

مقدمه

جلد اول کتاب روان‌شناسی در قرآن و حدیث با هدف معرفی بخشی از ظرفیت‌های منابع اسلامی در زمینه روان‌شناسی به چاپ رسید. اینک جلد دوم کتاب روان‌شناسی در قرآن و حدیث در تکمیل و ادامه بحث‌های مطرح شده در جلد اول آماده چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

کتاب پیش رو در هفت فصل تنظیم شده است. در فصل اول به مباحث مربوط به عواطف و هیجانات پرداخته شده است؛ در فصل دوم با عنوان روان‌شناسی اجتماعی، مفاهیم و موضوعاتی مانند روابط اجتماعی، هویت اجتماعی، ادراک خود، ادراک اجتماعی، همبستگی، نفوذ، قدرت، رهبری بحث می‌شود؛ فصل سوم با عنوان جاذبه‌های میان‌فردی به فرایندهای ارتباط از شکل‌گیری تا فروپاشی و نیز عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده تعامل میان‌فردی اختصاص یافته است؛ عنوان فصل چهارم بهداشت روانی است. این فصل افزون بر تعریف و ماهیت بهداشت روانی در منابع اسلامی به عوامل و فرایندهای مؤثر در آن می‌پردازد؛ در فصل پنجم کتاب مباحث مربوط به آسیب‌شناسی روانی و رفتار نابهنجار آمده است؛ عنوان فصل ششم تغییر رفتار است؛ در فصل هفتم که بخش پایانی این مجموعه را تشکیل می‌دهد، ضمن اشاره به مفهوم شخصیت در منابع اسلامی، الگوی ساختاری شخصیت و تحول و پویایی آن بر مبنای منابع اسلامی بحث و بررسی شده است.

در پایان با اذعان به اینکه اثر پیش رو گام آغازین در این عرصه بوده و بدون نقص و اشتباه نیست، از استادان، پژوهشگران، دانشجویان و خوانندگان گرامی که کاستی اثر را یادآور می‌شوند، کمال تشکر را دارم. همچنین بر خود لازم می‌دانم از مدیر محترم گروه روان‌شناسی

حوزه و دانشگاه آیت‌الله سید محمد غروی‌راد که نظارت علمی این اثر را بر عهده داشتند، از ارزیابان ارجمند جناب آقای دکتر عبدالله معتمدی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی و نیز از نیروهای اجرایی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در انتشار این کتاب نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکر کنم.

محمدصادق شجاعی

فصل اول

عواطف و هیجانات

هدف‌های آموزشی

- از دانشجو انتظار می‌رود پس از مطالعه و یادگیری مطالب این فصل بتواند:
۱. با تعریف خُلق، عاطفه و هیجان آشنا شود و بتواند آنها را از هم متمایز کند؛
 ۲. کاربرد هیجان را در منابع اسلامی بیان کند؛
 ۳. بتواند کارکرد و فواید هیجان‌ها را براساس آیات و روایات توضیح دهد؛
 ۴. به ارتباط عواطف و هیجانات با قلب آشنا شود؛
 ۵. نقش فرایندهای شناختی را در شکل‌گیری عواطف و هیجان‌ها شرح دهد.

۱-۱. مقدمه

عواطف و هیجانات بخش مهمی از زندگی روزمره ما را تشکیل می‌دهد. عواطف و هیجانات به قدری در زندگی ما مهم و پررنگ است که اگر از آن گرفته شود، زندگی بی‌معنا خواهد شد. عواطف و هیجانات در آموزه‌های دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل، هیجانات و عواطف از منظر آیات و روایات بررسی می‌شود.

۱-۲. عاطفه، خُلق و هیجان

با وجود آنکه نمی‌خواهیم خود را درگیر تعاریف کنیم، ولی مناسب است برای درک بهتر موضوع در اینجا سه واژه خُلق، عاطفه و هیجان (با توجه به ارتباط نزدیک و تنگاتنگ آنها با یکدیگر)، تعریف شود.

عاطفه^۱ در اصل از ریشه عطف و به معنای برگرداندن چیزی از سویی به سوی دیگر است. گاهی این واژه به معنای میل و گرایش به کار می‌رود. در روایات نیز تعطف به معنای روی‌آوری به کار می‌رود.^۲ اگر با حرف «علی» بیاید معنای شفقت و مهربانی دارد. بدین ترتیب، عاطفه و عواطف (جمع آن) مترادف با هیجانات مثبت در نظر گرفته می‌شود (ضنّاوی، ۲۰۰۷، ص ۱۶۷ و ۴۴۵).^۳

در اینجا منظور از عواطف، احساساتی است که رفتار گرایشی را در فرد نیرومند می‌کند.^۴ پس بنابر منابع اسلامی، سخن گفتن از عواطف مثبت و منفی بی‌معنا خواهد بود؛ در حالی که روان‌شناسان عواطف را به معنای عام‌تری به کار برده‌اند، به گونه‌ای که هم شامل جنبه‌های مثبت و هم شامل جنبه‌های منفی می‌شود.

هیجان^۵ عبارت از احساس شدید نسبت به کسی یا چیزی است که در نتیجه یک رویداد بروز می‌کند و سریع از بین می‌رود (رابینز، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). برای نمونه، دیدن یک صحنه تصادف ممکن است موجب ناراحتی و یا دیدن غیرمنتظره یک دوست سبب خوشحالی شود. کلمه خلق در روان‌شناسی به حالات هیجانی که معمولاً دوام پیدا می‌کنند و بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند، اشاره دارد. همچنین، در فرق بین خلق و هیجان آمده است: «خلق‌ها احساس‌هایی هستند که نسبت به هیجان‌ها شدت کمتری دارند و از فرایندهای مبهم و بیشتر ناشناخته ناشی می‌شوند» (ریو، ۱۳۸۴، ص ۳۶۹).

در یک جمع‌بندی کلی، چنانچه بخواهیم عاطفه، خلق و هیجان را با هم مقایسه کنیم، می‌توانیم بگوییم: عاطفه یک اصطلاح کلی است که زمینه مشترک بین خلق‌ها و هیجان‌ها را تشکیل می‌دهد. تفاوت بین خلق‌ها و هیجان‌ها به سطح پایداری و شدت آنها برمی‌گردد (شکل ۱-۱).

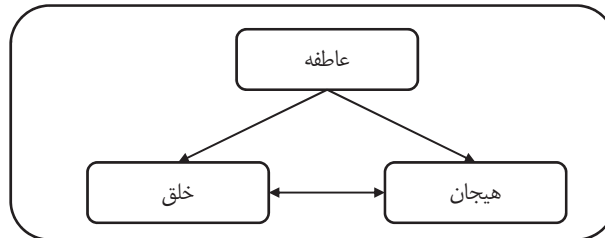
1. Affect

۲. و التعطف و ضده القطیعة... (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲).

۳. و اعطفهم علیه عند نازلة اذا نزلت... (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳، ص ۴۶).

۴. در اینجا معنای عاطفه براساس منابع اسلامی می‌باشد و با تعریف عاطفه در روان‌شناسی که شامل احساس‌های منفی نیز می‌شود، متفاوت است.

5. Emotion



شکل ۱-۱: رابطه عاطفه، خلق و هیجان

پس از بیان این مقدمه کلی، اینک به بیان عواطف و هیجانات در منابع اسلامی می‌پردازیم.

۳-۱. کار برد هیجان در منابع اسلامی

هیجان و مشتقات آن در منابع اسلامی فراوان به کار رفته است (زمر، ۲۱؛ حدید، ۲۰؛ کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۳۰۷؛ ج ۷، ص ۲۰۱؛ ج ۸، ص ۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۵). موارد کاربرد واژه هیجان نشان می‌دهد که تغییر فیزیولوژیکی و برانگیختگی آن از نشانه‌های اصلی هیجان است. به همین جهت، در همه مواردی که واژه هیجان به کار رفته، تحریک و برانگیختگی و نیز خارج شدن از حالت طبیعی در آن دیده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۲۴۷؛ ج ۵۴، ص ۱۴۱ و ۱۴۳؛ ج ۵۷، ص ۳۰ و ۳۱؛ ج ۵۱، ص ۲۱۶). در پژوهش‌های مبتنی بر آیات و روایات از هیجان به انفعال تعبیر شده است (خلیل، ۲۰۱۱، ص ۱۰؛ محمود محمد، ۲۰۰۶، ص ۱۶۷). اصطلاح انفعال احساس‌های شدیدی مانند ترس، خشم، علاقه و تعجب و حالت‌های ناشی از آن مانند نگرانی، پریشانی، شرمساری را دربر می‌گیرد.

۴-۱. فواید و کارکردهای هیجان‌ها در منابع اسلامی

هیجان‌ها بخش مهمی از زندگی روزمره ما را تشکیل می‌دهد. هر یک از ما انواع گوناگونی از هیجان‌ها را مانند شادی، غمگینی، خوش‌بینی، بدبینی، عشق، نفرت، آرامش، ترس و... تجربه می‌کنیم. شاید نتوان لحظه‌ای را در زندگی پیدا کرد که هیجانات وجود نداشته باشد. در واقع، هیجان‌ها در زندگی تنوع ایجاد می‌کند و زندگی بدون آنها خسته‌کننده خواهد شد. آیات و روایات نشان می‌دهد که هیجان‌ها فواید زیادی در زندگی انسان دارد. اصولاً خداوند به دلیل همین فواید، هیجانات مختلف را به صورت فطری در انسان قرار داده و شرایط آن را

فراهم کرده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بنگر که چگونه برای هر یک از افعال که قوام حیات و بقای زندگی وابسته به آن است، در درون و به‌طور طبیعی محرک و عامل تحریک‌کننده آن قرار داده شده است» (مفضل، ۱۳۸۱، ص ۷۶). همچنین آن حضرت درباره حکمت‌ها و تدابیر نهفته در گرایش‌ها و اندام‌های حیوانات می‌فرماید: «چنین تقدیر شده که غذای حیوانات گوشت‌خوار از شکار حیوانات دیگر باشد؛ از این‌رو برای این حیوانات دست‌ها، پنجه‌ها و چنگال‌های سخت، تیز و محکم و مناسب برای شکار کردن آفریده شده است. پرندگان شکاری نیز دارای منقارها و چنگال‌های مناسب شکار و دفاع از خود آفریده شده‌اند. اگر به حیوانات این تجهیزات و میل به دفاع از خود و گرایش به تولید مثل داده نمی‌شد، قوام زندگی آنها از هم می‌پاشید. گرایش‌ها، عواطف و هیجانات انسان نیز برای حفظ بقا و تداوم حیات اعطا شده است» (همان، ص ۷۰، ۹۱ و ۱۱۰).

بنابراین، یکی از فواید و کارکردهای اصلی هیجانات کمک به بقای فرد و تداوم زندگی است. برای مثال، هیجان خشم برای آن در افراد قرار داده شده تا از خود دفاع کنند (فتح، ۲۹). یکی از جلوه‌های آن غیرت است. بنابر روایات، غیرت موجب دفاع از ارزش‌های فردی و خانوادگی در برابر عواملی است که حیثیت انسانی و خانوادگی فرد را به خطر می‌اندازد. همچنین، هیجان‌ها به بهبود روابط اجتماعی نیز کمک می‌کند. در روایات به این موضوع اشاره می‌شود که هیجانات رفتار اجتماعی را تسهیل می‌کند. برای مثال، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: بهترین چیزی که مردم با آن دل‌های دوستانشان را به دست می‌آورند و کینه‌ها را از دل‌های دشمنانشان می‌زدایند، خوشرویی در تعاملات بین‌فردی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۵۷). همچنین در روایات به این نکته اشاره می‌شود که ابراز هیجانات مثبت در روابط میان‌فردی موجب بهبود ارتباط می‌گردد (همان، ج ۷۷، ص ۱۶۶).

۱-۵. آثار و جلوه‌های هیجانات

الف) تغییرات فیزیولوژیکی در بدن: هنگامی که افراد دچار هیجان می‌شوند، تغییرات فیزیولوژیکی زیادی در آنها رخ می‌دهد. از جمله تغییرات فیزیولوژیکی همراه با هیجان می‌توان به افزایش ضربان قلب، انقباض مویرگ‌های بدن و تغییر در حالات چهره اشاره کرد. خداوند در قرآن دگرگونی‌ها و تغییرات فیزیولوژیکی را که افراد در حالت ترس به سبب شدت فشار و افزایش جریان خون در قلب تجربه می‌کنند، این‌گونه توصیف کرده است: «... به یاد آورید

زمانی را که (در جنگ احزاب) لشکر کفار از هر طرف بر شما حمله‌ور شدند و چشم‌ها حیران شد و جان‌ها به گلو رسید و به وعده خدا گمان‌های مختلف کردید (مؤمنان به وعده حقیقی خدا و پیروزی اسلام خوش‌گمان و دیگران بدگمان بودند). در آنجا مؤمنان امتحان شدند. کسانی که از نظر ایمان ضعیف بودند، سخت متزلزل گردیدند.^۱ این دو آیه ترسی را که مسلمانان در جنگ احزاب تجربه کرده بودند، به تصویر می‌کشد؛

ب) **تغییر حالات چهره:** چهره اطلاعات فراوانی در خصوص حالات هیجانی به ما می‌دهد. برخی روان‌شناسان معتقدند حالات چهره پس از زبان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی به شمار می‌آید. ارتباط بین چهره و حالات هیجانی در آموزه‌های دینی نیز پذیرفته شده است. برای مثال، در قرآن آمده است که هرگاه به مشرکان خبر داده می‌شد صاحب فرزند دختر شده‌اند، از شدت خشم صورتشان سیاه می‌گشت.^۲ همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «... و هرگاه بر این کافران معاند آیات روشن ما تلاوت شود؛ در چهره آنها به اندازه‌ای اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی که نزدیک است از شدت ناراحتی بر کسانی که آن آیات را تلاوت می‌کنند، حمله‌ور شوند».^۳ در قیامت خوشحالی و ناراحتی افراد در چهره آنها مشاهده می‌شود. مؤمنان به علت پاداش‌های خوبی که دریافت می‌کنند، بشاش و خوشحال‌اند و کافران از شنیدن عذاب دردناک الهی ناراحت شده، آثار ناراحتی در چهره آنها مشاهده می‌شود.

۱-۶. انواع هیجان‌ها در آیات و روایات

در آیات و روایات واژه‌های زیادی به کار رفته است که با هیجانان ارتباط دارد. از این‌رو، ارائه فهرست جامعی از هیجان‌ها و حتی واژه‌های مرتبط با آنها کار بسیار دشواری است. در اینجا تنها به هیجانان اصلی در آیات و روایات اشاره می‌شود.

۱. إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَ* هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا (احزاب، ۱۰ و ۱۱).

۲. وَإِذَا بُسِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ (زخرف، ۱۷).

۳. وَ إِذَا تَثَلَىٰ عَلَيْهِمْ أَيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا (حج، ۷۲).

۱-۶-۱. ترس

ترس^۱ از هیجان‌ات اصلی است و زمانی اتفاق می‌افتد که فرد موقعیت را خطرناک و تهدیدکننده ارزیابی کند. غزالی در تعریف ترس می‌گوید: ترس عبارت است از ناراحتی و سوزش قلب به سبب رویداد ناخوشایندی که در آینده اتفاق خواهد افتاد.^۲ راغب اصفهانی نیز ترس را به انتظار رویداد ناخوشایند تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳).

براساس آموزه‌های اسلامی، ترس یکی از هیجان‌های مهم به شمار می‌آید؛ زیرا افراد را در دور شدن از خطرات و عوامل تهدیدکننده کمک می‌کند. فایده ترس تنها در حفظ انسان از خطراتی که در زندگی دنیوی او را تهدید می‌کند، خلاصه نمی‌شود؛ بلکه افزون بر آن، یکی از مهم‌ترین کارکردهایش این است که افراد را به حفظ خود در برابر عذاب الهی در آخرت وامی‌دارد.

یکی از نمونه‌های ترس که در بین افراد فراوان دیده می‌شود، ترس از مرگ است. خداوند در قرآن با اشاره به ترس از مرگ می‌فرماید: «ای پیامبر! به مردم بگو مرگی که از آن فرار می‌کنید، سرانجام شما را ملاقات خواهد کرد».^۳ ترس از مرگ تا اندازه‌ای طبیعی است، به‌گونه‌ای که حتی پیامبری چون موسی علیه السلام از آن درامان نبوده و آن‌طور که قرآن از زبان خودش نقل می‌کند، می‌ترسید که فرعون او را بکشد.^۴ ترس از فقر نیز از ترس‌های رایج در میان مردم است. عرب‌های پیش از اسلام فرزندان خود را از ترس فقر زنده به گور می‌کردند. خداوند در قرآن از این کار ممانعت و تصریح می‌کند که روزی آنها در دست خدا است.^۵

شدیدترین نوع ترس را افراد در قیامت تجربه می‌کنند. بنابر آیات و روایات قیامت با یک خروش ناگهانی آغاز می‌شود.^۶ در آن لحظه همه چیز به هم فرومی‌ریزد.^۷ این صحنه بسیار ترسناک

۱. ترس در آیات و روایات معمولاً با کلمه خوف بیان شده است. خوف به معنای ترسیدن و خیفه به معنای

ترس است (فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى، طه، ۶۷). دیگر واژه‌های هم معنا با ترس در آیات و روایات

عبارتند از: خشیت، حذر، رعب، رهب، شفق، فزع، وجل، فرق.

۲. ان الخوف عبارة عن تألم القلب و احتراقه بسبب توقع مكروه في الاستقبال... (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۵).

۳. قُلْ إِنْ الْمَوْتُ الَّذِي تَتَرَوْنَ مِنْهُ فَأِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ (جمعه، ۸).

۴. ... فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (شعراء، ۱۴)؛ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (قصص، ۳۳).

۵. وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا (اسراء، ۳۱)؛ وَ لَا تَقْتُلُوا

أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِنَّا هُمْ... (انعام، ۱۵۱).

۶. يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ... (انعام، ۷۳).

۷. الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * مَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ... (قارعه، ۱ و ۲)؛ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ... (نازعات، ۶).

است.^۱ به همین علت، قیامت به «روز ترس» نامگذاری شده است.^۲ ناگهانی بودن ترس موجب گنجی و سرگشتگی می‌شود و توانایی راه رفتن و تفکر را از افراد سلب می‌کند.^۳ سپس همگان در صحرای محشر گرد هم می‌آیند؛ صحرای بیکران که از انسان موج می‌زند و تا جایی که چشم کار می‌کند، انسان با چهره واقعی آنها دیده می‌شود. در چنین وضعیتی افراد تلاش می‌کنند هر طور شده خود را از آن صحنه دور کنند. آنها از شدت ترس حتی از دوستان نزدیک خود فرار می‌کنند.^۴ چنان‌که مشاهده می‌شود، خداوند در قرآن تصویری از صحرای محشر ارائه کرده و به بیان حالات و هیجان‌های افراد پرداخته است. در صحرای محشر به اندازه‌ای ازدحام است که امکان راه رفتن وجود ندارد. از سوی دیگر، کفار و مشرکان چون لحظه به لحظه منتظر عذاب الهی هستند، سراسر وجود آنها را ترس و وحشت فرا می‌گیرد. خداوند ترس کافران را این‌گونه توصیف کرده است: «... و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند بنگری که همه رویشان سیاه شده است...».^۵

به‌طور کلی هر رویداد ناخوشایندی که تهدیدکننده باشد، موجب ترس می‌شود. ولی پرسشی که درباره ترس مطرح می‌شود این است که آیا ترس در آموزه‌های دینی به همین مورد خلاصه می‌شود؟ آیا ترس تنها گویای یک هیجان منفی است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید معانی و موارد کاربرد ترس در آیات و روایات بررسی شود.

۱-۶-۱-۱. معانی و موارد کاربرد ترس در آیات و روایات

ترس در آموزه‌های دینی صرفاً یک هیجان منفی نیست بلکه در جنبه‌های مثبت نیز کاربرد دارد. برای همین، «خوف» یکی از مراتب سیر و سلوک برشمرده شده است (ر.ک: انصاری، ۱۳۷۳، ص ۶۵). در برخی روایات از پنج نوع ترس یاد می‌شود که بسیاری آنها بهنجار است.^۶ این امر نشان می‌دهد که مفهوم ترس در آموزه‌های دینی به چیزی فراتر از ترس در روان‌شناسی اشاره دارد.

۱. یَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ... (نمل، ۸۷)؛ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِصُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (معارج، ۴۳ و ۴۴).
۲. قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ... (نازعات، ۸).
۳. بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (انبیاء، ۴۰).
۴. فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ * وَصَاحَتِيهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ أُمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (عبس، ۳۳ تا ۳۷).
۵. وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ (زمر، ۶۰).
۶. انواع الخوف خمسة: خوف و خشية و وجل و رهبة و هيبة... (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۸۱).

۱-۶-۱-۲. انواع ترس

الف) ترس‌گزند و آسیب

ترس‌گزند و آسیب به ترس واقعی اشاره دارد و زمانی اتفاق می‌افتد که فرد موقعیت را به صورت بالقوه خطرناک و تهدیدکننده ارزیابی کند. برای مثال، ما از حیوانات وحشی فرار می‌کنیم و از ساختمان در حال تخریب سریعاً دور می‌شویم. یا ترس از چیزهایی که افراد به‌طور طبیعی از آن وحشت می‌کنند؛ مانند جن و میّت خصوصاً در شب و آن هم زمانی که فرد تنها است (نراقی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۴). در آیات و روایات مثال‌های زیادی برای این نوع ترس وجود دارد. برای نمونه، خداوند در قرآن به ترس داوود علیه السلام از ورود غیرعادی و ناگهانی افراد ناشناس اشاره می‌کند.^۱ ترس اصحاب کهف از افشای مخفیگاهشان و احتمال آسیب‌هنگام ورود به شهر برای تهیه غذا^۲ و همچنین ترس مادر موسی علیه السلام از فرعون دو مورد دیگر برای ترس‌گزند و آسیب است. گاهی اوقات افراد به خاطر اتفاقات عجیب و غریبی که می‌افتد دچار ترس و وحشت می‌شوند. در قرآن نمونه‌های زیادی در این باره آمده است؛ برای مثال، خداوند درباره موسی علیه السلام می‌فرماید: «چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه از هم فرو پاشید و موسی بیهوش افتاد».^۳ همچنین، در دیدار جادوگران با موسی علیه السلام زمانی که آنها ابزار و آلات جادویی خود را بر زمین انداختند و تبدیل به مار شد، مردم از این صحنه وحشت زده شده و ترس و اضطراب بر آنها مستولی شد (اعراف، ۱۰۶-۱۲۶).

این نوع ترس کم یا بیش در همه افراد وجود دارد. اگر این نوع ترس در حد معمولی باشد، نه‌تنها مرضی و مضر نیست بلکه موجب حفظ و تداوم حیات فرد است (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۳۴). ترس‌گزند و آسیب تنها در حفظ انسان از خطراتی که در زندگی دنیوی او را تهدید می‌کند، نیست بلکه در برابر عذاب الهی در زندگی پس از مرگ نیز محافظت می‌کند. به همین جهت، در آیات و روایات ترس از عذاب الهی به‌عنوان یک عامل بازدارنده از گناه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، قیامت به‌گونه‌ای تصویر می‌شود که در آن همه افراد به جز

۱. وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ ... إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَحْفَ خَضْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ... (ص، ۲۱ و ۲۲).

۲. ... فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ .. وَ لِيَتَلَطَّفَ وَ لَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا * إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ .. (كهف، ۱۹ و ۲۰).

۳. فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا (اعراف، ۱۴۳).

مؤمنان به علت حوادث عجیب و غریبی که اتفاق می‌افتد، دچار ترس و وحشت می‌شوند.^۱ چنانچه اشاره شد؛ ترس و وحشت در قیامت به اندازه‌ای شدید است که افراد حتی به فکر نزدیکان و عزیزان خود هم نیستند.^۲

ب) ترس اخلاقی

ترس اخلاقی مربوط به آثار و پیامدهای منفی رفتار گذشته است.^۳ در واقع، در این نوع ترس افراد از پیامد گناهان خود می‌ترسند (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۴۱). در منابع اسلامی از این نوع ترس به «ترس عقاب و کیفر» هم تعبیر شده است (انصاری، ۱۳۷۳، ص ۶۵). ملا احمد نراقی در تعریف ترس اخلاقی می‌گوید: ترس اخلاقی، ترس از آن چیزی است که سبب آن در اختیار خود فرد است و از این می‌ترسد که مبدا اثری بر آن مترتب شود (نراقی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۴). روایت است که داوود علیه السلام در مناجات خود می‌گفت: زمانی که گناهانم را به یاد می‌آورم، می‌ترسم و زمین بر من تنگ می‌شود (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۷۸). از نظر فیض کاشانی ترس اخلاقی هنگامی به وجود می‌آید که فرد رفتارهای نادرست خود و پیامدهای آن مانند سختی جان‌کندن (سکرات موت)، مورد سؤال قرار گرفتن در قبر (سؤال نکیر و منکر) و فشار قبر را در ذهن خود مجسم کند. ترس اخلاقی در صورتی که بیش از اندازه (افراطی) نباشد، بهنجار به شمار می‌آید. به همین جهت، در بسیاری از آیات و روایات به این نوع ترس سفارش شده است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۲۲۴).

ترس اخلاقی ممکن است نسبت به دیگران باشد. از این رو، حضرت علی علیه السلام خطاب به مردم می‌فرماید: «... ایها الناس! ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان: اتباع الهوی و طول الأمل؛ ای مردم، همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم؛ هواپرستی و آرزوهای طولانی» (نهج البلاغه، خطبه ۴۲، ص ۶۶).

۱. یَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ... (نمل، ۸۷)؛ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (نور، ۳۷).

۲. يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج، ۲).

۳. شیخ عباس قمی در تعریف ترس به این نوع اشاره می‌کند و می‌گوید: هو تألم النفس من المكروه المنتظر و العقاب المتوقع بسبب احتمال فعل المنهيات و ترك الطاعات... (قمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۴۲).

ج) ترس شکوه و جلال

در آموزه‌های اسلامی تعبیر «ترس از خدا» فراوان به کار رفته است؛ گاهی نیز از آن به خشیت تعبیر می‌شود (قمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۴۲). پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که ترس از خدا به چه معنا است؟ آیا خدا موجودی ترسناک است؟! در این زمینه چند تبیین وجود دارد؛ یکی از تبیین و تفسیرها این است که ترس از خدا به معنای ترس از قیامت و حضور در پیشگاه الهی برای حساب و کتاب است. این در واقع، همان ترس اخلاقی است؛ ولی برای اینکه عذاب‌کننده خدا است، ترس به خدا هم نسبت داده می‌شود. تفسیر و برداشت دیگر درباره ترس از خدا این است که منظور مقام عدالت الهی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فاتقوا الله عباد الله تقیه ذی لبّ شغل التفکر قلبه...»؛ از خدا چون خردمندی بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته و ترس از خدا بدنش را فرا گرفته است» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳، ص ۹۶). باید توجه داشت که ترس از مقام عدالت الهی نیز در واقع به ترس اخلاقی برمی‌گردد. تفسیر و برداشت سوم این است که ترس از خدا برای عذاب و کیفر الهی نیست، بلکه تنها به علت مقام معنوی و شکوه و جلال خداست. این نوع ترس همواره با نوعی احترام آمیخته است. از این رو، در این پژوهش به «ترس شکوه و جلال» نامگذاری شده است. به نظر می‌رسد دلیل عمده‌ای که افراد از دیگران حیا می‌کنند، وجود این نوع ترس است. به‌ویژه آنکه ترس شکوه و جلال در حیای از خدا بیش از دیگر موارد آن دیده می‌شود (ر.ک: شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۶).

به نظر می‌رسد دیدگاه‌های سه‌گانه با هم منافاتی ندارند و شاید ممکن است همه اینها از آیات و روایات استفاده شود، ولی، برداشت سوم از غنای بیشتری برخوردار است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: کسی که می‌داند که خدا او را می‌بیند و آنچه می‌گوید، می‌شنود و آنچه را از خیر و شر انجام می‌دهد، می‌داند و این توجه او را از اعمال زشت باز می‌دارد و از مقام پروردگارش می‌ترسد و آن موجب می‌شود که خود را از هوای نفس باز دارد. ترس شکوه و جلال تابعی از میزان رشد شناختی افراد است. برای مثال، فردی که مقام علمی خدا را می‌شناسد و می‌داند که خداوند ناظر بر اعمال و رفتار اوست، بیشتر از دیگران این نوع ترس را تجربه می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۵۳).^۱ در افراد معمولی ترس از خدا

۱. إِنَّمَا يُخَشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (فاطر، ۲۸).

بیشتر به دلیل عذاب الهی است، ولی در افراد رشدیافته ترس از خدا به علت شناخت مقام و منزلت اوست.^۱

۱-۶-۲. خشم

خشم یکی دیگر از هیجان‌هایی است که کم یا بیش همه افراد آن را در زندگی خود تجربه می‌کنند. در آیات و روایات خشم با واژه‌های غضب، غیظ، سخط و بطش بیان شده است. از نظر شبر خشم احساس ناخوشایندی است که در اثر بی‌اعتنایی، بی‌مهری و بی‌توجهی، انتقاد، خیانت یا دخالت دیگران در کارهای فرد به وجود می‌آید (شبر، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶ و ۲۴۷). بر مبنای این تعریف، خشم معمولاً زمانی ایجاد می‌شود که فرد در رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود با مانع روبه‌رو شود. طبرسی ریشه خشم را حس انتقام‌جویی می‌داند (طریحی، بی‌تا، ماده غضب). خشم گاهی به رفتارهای پر خاشگرانه می‌انجامد. هنگامی که افراد خشمگین هستند شدیداً تحت تأثیر احساسات خود قرار دارند و کمتر از عقل و منطق پیروی می‌کنند. آدم خشمگین ممکن است دست به هر کاری بزند.^۲ بنابر روایات، ریشه خشم در بیشتر موارد به افکار و باورهای شیطانی (نادرست) برمی‌گردد.^۳

۱-۶-۲-۱. نشانه‌های فیزیولوژیکی خشم

خشم نیز مانند دیگر هیجان‌ها تظاهرات جسمانی و فیزیولوژیکی خاص خود را دارد. در روایات به برخی از آنها اشاره شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های فیزیولوژیکی خشم عبارتند از: تغییر حالات چهره، متورم شدن رگ‌های گردن و قرمز شدن چشم.^۴ آثار فیزیولوژیکی خشم به صورت تنش و برافروختگی دیده می‌شود. شاید برای همین در روایات از خشم به «شعله‌ای از آتش» تعبیر شده است؛^۵ شعله‌ای که نخست قلب انسان را آتش می‌زند^۶ و سپس همه چیز را می‌سوزاند و به خاکستر تبدیل می‌کند.

۱. قال الباقر (علیه السلام): فلو كنت بالله عالماً و بعظمته عارفاً لم تزل من خائفاً (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳).
۲. ان الرجل لیغضب فیقتل النفس التي حرم الله و یفد المصحنة... (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۳۴)؛ ضرام نار الغضب یبعث علی رکوب العطب (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰).
۳. ان هذا الغضب من الشیطان توقد فی قلب ابن آدم (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۰۴).
۴. الا ترى انه اذا غضب احمرّت عیناه و اربد وجهه و انتفخت اوداجه (هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۲۳).
۵. الغضب شعله من النار (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۸).
۶. قال علی (علیه السلام): الغضب نار القلوب (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۳).

۱-۶-۲-۲. فواید و کارکردهای خشم

خشم به صورت بالقوه خطرناک‌ترین هیجان است؛ زیرا هدف آن برطرف کردن و از بین بردن موانع در محیط است. خشم در بیشتر موارد کارکرد منفی دارد. به همین جهت، در برخی روایات از خشم به کلید بدی یاد شده است.^۱ به نظر می‌رسد فحش و ناسزاگویی،^۲ توهین و تحقیر،^۳ تمسخر،^۴ دشمنی،^۵ ظلم،^۶ تجاوز،^۷ جنگ و کشتار^۸ و ویرانگری^۹ جلوه‌هایی از خشم هستند. با توجه به این موارد شاید ممکن است این‌گونه به نظر برسد که خشم هیچ فایده‌ای ندارد؛ ولی خشم همواره یک هیجان منفی نیست بلکه می‌تواند کارکردهای مثبت هم داشته باشد.

در قرآن خشم به‌عنوان یک پدیدهٔ بهنجار در نظر گرفته می‌شود. این موضوع را در داستان حضرت موسی (علیه السلام) به خوبی می‌توانیم ببینیم. زمانی که موسی (علیه السلام) از طور برمی‌گردد و می‌بیند که بنی اسرائیل گوسالهٔ طلایی ساخته دست سامری را می‌پرستند، با حالت خشم و عصبانیت الواح [تابلو نوشته‌ها و نقاشی‌ها] را به زمین انداخته و آنها را به دلیل کار نادرستشان عتاب و سرزنش می‌کند.^{۱۰}

در واقع، خشم برای آن در افراد می‌باشد تا آنان در برابر عوامل تهدیدکننده و خطرناک از خود دفاع کنند. مثالی که به خوبی می‌تواند کارکرد مثبت خشم را نشان دهد، جنگ و جهاد در اسلام است. از دیدگاه اسلام جنگ و جهاد برای انتقام‌جویی، جاه‌طلبی، کشورگشایی،

۱. قال الصادق (علیه السلام): الغضب مفتاح کل شرّ (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۸۸).
۲. وَ لَا تَسْتَوُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بَغِيْرِ عِلْمٍ ... (انعام، ۱۰۸)؛ لیس المؤمن بالطعان ولا باللعان ولا بالسباب ولا بالبدی ... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۱۴).
۳. ان کنتم تريدون ان تكونوا معنا يوم القيامة لایعن بعضکم بعضاً (همان، ج ۸، ص ۱۱۴).
۴. فَاتَّخَذُوا مَوْتَهُمْ سِحْرًا (مؤمنون، ۱۱۰)؛ اَتَّخَذْنَا هُمْ سِحْرًا (ص، ۶۳)؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ (حجرات، ۱۱)؛ وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (حجر، ۱۱).
۵. بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ... (طه، ۱۲۳)؛ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٌّ لَكُمْ (نساء، ۹۲)؛ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ (فرقان، ۳۱)؛ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَّعِدُوا (بقره، ۲۳۱).
۶. وَ مَنْ يُعَلِّ ذَلِكْ عَدُوًّا نَا وَ ظَلَمًا ... (نساء، ۳۰)؛ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (بقره، ۳۵)؛ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان، ۱۳)؛ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (انسان، ۳۱).
۷. اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ (بقره، ۶۵)؛ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ... (شعراء، ۱۶۶).
۸. ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ قَرِيبًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ (بقره، ۸۵)؛ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (مائدة، ۳۲)؛ وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمَّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ ... (نساء، ۹۳).
۹. وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ... (بقره، ۱۱۴)؛ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ (حشر، ۲).
۱۰. وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا (اعراف، ۱۵۲).

ویرانگری و تصرف و اشغال سرزمین‌های دیگران نیست، بلکه برای دفاع از خود و حفظ موجودیت خویشتن و همچنین برداشتن مانع از راه انسان‌های دیگر و برای گرایش به حق و گرویدن به ارزش‌ها است.^۱ برای همین خداوند، در مورد اینکه با چه کسانی باید جنگید، شرایطی را بیان کرده است. برای مثال، با کسانی باید جنگید که با شما وارد جنگ شده‌اند.^۲ همچنین کسانی که در برابر گسترش اسلام ایستادگی می‌کنند^۳ و این همان چیزی است که از نیروی خشم ناشی می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که با شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید (و دشمنان دورتر شما را از دشمنان نزدیک غافل نکنند). آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند».^۴ همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر، جایگاه آنها جهنم است و بد فرجامی است».^۵ همه اینها نشان‌دهنده کارکرد بهنجار خشم است.

در قرآن، یکی از کارکردهای مثبت خشم حفظ تعادل در جامعه بیان شده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «آیا ندیدی که جمعی از بنی اسرائیل پس از موسی، به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید! گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟! اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند و خداوند از ستمکاران، آگاه است.

پیامبرشان به آنها گفت: خداوند (طلوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند گسترده است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است و پیامبرشان به آنها گفت: نشانه حکومت او، این است که (صندوق عهد)

۱. فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا... (بقره، ۱۹۴). ۲. الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ (بقره، ۱۹۰).

۳. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... (فتح، ۲۹).

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً... (توبه، ۱۲۳).

۵. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئس المصير (تحريم، ۹).

به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد، در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شماست، اگر ایمان داشته باشید. و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند، آنها (که به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند! جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند) از آن نهر گذشتند (از کمی نفرت خود، ناراحت شدند و عده‌ای) گفتند: امروز، ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران (و استقامت‌کنندگان) است. و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدم‌های ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان، سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و داوود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود)، جالوت را از پا درآورد، و خداوند حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. پس از بیان این واقعه این‌گونه نتیجه‌گیری شده است که «اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد». ^۱ خشم موجب می‌شود جلو بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و تندروی‌ها در جامعه گرفته شود. بنابراین، برپایی عدالت، امنیت و حفظ ارزش‌های اجتماعی در سایه هیجان خشم امکان‌پذیر است. ^۲

۱-۶-۲-۳. بحث ویژه: خشم خداوند

خشم خداوند [غضب الهی] یک تعبیر رایج در آیات و روایات است. برای مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «کفر کافران در نزد پروردگار چیزی جز خشم و غضب نمی‌افزاید». ^۳ در موارد

۱. وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ... (بقره، ۲۵۱).

۲. وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ... (حج، ۴۰).

۳. وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا (فاطر، ۳۹).

دیگر نیز سخن از خشم و غضب الهی به میان آمده است.^۱ پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که خشم خداوند به چه معنا است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: خشم و غضب درباره خداوند نه به معنایی که در مورد انسان به کار می‌رود، بلکه خشم درباره خداوند به معنای کم شدن رحمت الهی و دریغ داشتن لطف از کسانی است که مرتکب اعمال زشت و ناپسند شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۷۸).

برداشت دیگر در این زمینه این است که خشم خداوند یک تعبیر کاملاً انسان‌وار انگارانه بوده و هرگاه که به خدا نسبت داده می‌شود، نوعی همزادپنداری با انسان است. به عبارت دیگر، آیات و روایات برای آنکه آن ذات ناشناختنی را تا اندازه‌ای شناختنی یا دست‌کم برای ذهن انسان‌های عادی مأنوس کند، رویکرد تشبیهی را در پیش گرفته و برخی ویژگی‌های انسانی را به خدا نسبت داده است. به تعبیر مولوی خداوند چون با کودک (بشر) سر و کارش افتاده است، پس به ناچار زبان کودکی گشاده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۲۴). باید توجه داشت که برداشت دوم کاملاً یک برداشت روان‌شناسانه است. به همین علت، این موضوع موجب نمی‌شود که از نظر وجود شناختی خدا و انسان را شبیه هم و دارای صفات و ویژگی‌های مشابه بدانیم.

۱-۶-۳. علاقه

علاقه نیز جزء هیجان‌های اصلی است. علاقه عبارت از میل و کشش عاطفی نسبت به چیزی یا کسی است که برای فرد مطلوبیت دارد. راغب اصفهانی در تعریف علاقه می‌گوید: علاقه گرایش و تمایل داشتن نسبت به چیزی است که فرد آن را برای خود مطلوب می‌داند. ملاک مطلوبیت از نظر وی عبارتند از: ۱. احساس رضایت و لذت؛ ۲. بهره‌مندی معنوی؛ ۳. فضیلت اخلاقی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸). در واقع، یکی از این سه ویژگی سبب علاقه در افراد می‌شود. در آیات و روایات علاقه معمولاً با واژه‌های شوق، رغبت، محبت، عشق، میل، مودت، اُلفت و همانند آن بیان شده است.

۱. کُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه، ۸۱)؛ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (بروج، ۱۲)؛ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ... (مائده، ۶۰)؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا... (محمد، ۲۸)؛ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ (انفال، ۱۶).

۱-۶-۳-۱. علاقه اجتماعی

علاقه اجتماعی، در روابط میان‌فردی خود را نشان می‌دهد. علاقه اجتماعی یک امر فطری است. خود واژه انسان نیز با توجه به ریشه آن یعنی اُنس به بُعد اجتماعی شخصیت انسان اشاره دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۳). از این رو، برخی گفته‌اند انسان مدنی بالطبع است. برای آنکه علاقه اجتماعی در حالات و رفتار افراد تبلور پیدا کند، یکسری عوامل و محرک‌های محیطی مورد نیاز است. در آیات و روایات از بذل و بخشش،^۱ همنوایی، همدردی، خوش رفتاری،^۲ زیبایی و جذابیت به‌عنوان عوامل برانگیزاننده هیجان علاقه یاد شده است (ر.ک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۷۸-۸۶). علاقه اجتماعی مهم و حیاتی است. رسول خدا ﷺ علاقه اجتماعی را پس از ایمان مهم‌ترین نشانه عقل برشمرده است.^۳

۱-۶-۴. نفرت

نفرت حالت بیزاری نسبت به چیزی است که نامطلوب و ناخوشایند باشد؛ مانند اشیای آلوده، بدبو، غیربهداشتی و تلخ و بد مزه. طبع افراد از این چیزها بیزار است. همچنین، افراد از آلودگی‌های اخلاقی مانند دروغ، تهمت، خیانت، زنا با محارم و امثال آن بیزار هستند. دستورهای الهی نیز با فطرت هماهنگی دارد. برای مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «به زنا نزدیک نشوید که آن عملی زشت و راه نادرست [ارضای نیازهای جنسی] است».^۴ هیجان نفرت دقیقاً نقطه مقابل هیجان علاقه است.^۵ در آیات و روایات برای اشاره به هیجان نفرت از واژه‌های کراهت،^۶ اشمزاز^۷ و تنفر^۸ استفاده شده است. برای نمونه، خداوند در قرآن می‌فرماید: «... و در زندگی با آنها [زنان] به نیکی رفتار کنید و اگر از آنها به جهتی کراهت داشتید (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید)، چه بسا ممکن است چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند

۱. السخاء یکسب المحبة (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۵).

۲. حسن الخلق یثبت المودة ... (همان، ص ۳۴۷)؛ حسن الخلق یورث المحبة (همان).

۳. رأس العقل بعد الدين التودد الى الناس ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۹۲).

۴. وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا (اسراء، ۳۲).

۵. وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (بقره، ۲۱۶).

۶. أَيْحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات، ۱۲).

۷. وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (زمر، ۴۵).

۸. بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ (ملک، ۲۱)؛ وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (اسراء، ۴۱).